



نقش اسطوره‌های دولت در دوران مدرن

● کتاب «اسطوره دولت» اثر مهم ارنست کاسیرر درباره چگونگی ظهور ناگهانی اسطوره و تبدیل شدن آن به ابزار در جوامع توتالیتر بحث می‌کند. کاسیرر، فیلسوف و مورخ فلسفه، کتاب «اسطوره دولت» را با هدف تشریح مبانی روی کارآمدن فاشیسم در سال‌های ابتدایی قرن بیستم در اروپای غربی نوشت. به‌تازگی چاپ جدیدی از این اثر که پیش از این به قلم یدالله موقن ترجمه شده بود از سوی انتشارات هرمس روانه بازار نشر شده است. کاسیرر در این کتاب به بررسی نقش و کارکرد افسانه به‌عنوان امری موهوم که ریشه در اندیشه بشری دارد و تأثیرات آن بر کنش‌های اجتماعی سیاسی و اجتماعی- حیات انسان و ابعاد سیطره اندیشه افسانه‌ای را بر حوزه‌های مختلف فکر بشری بررسی کرده است. همچنین به چگونگی تأثیر عنصر افسانه بر مکاتب مختلف فلسفه سیاسی و از جمله قرون اخیر پرداخته و نشان داده است که چگونه عناصر غیرعقلانی با کنش‌گذاری در عرصه رفتارهای سیاسی و اجتماعی- حیات انسان را متأثر ساخته و پیامدهای مصیبت‌بار آن از جمله ظهور فاشیسم را به دنبال داشته است. کتاب حاضر در سه بخش تدوین یافته است. بخش اول درباره ساختار اندیشه اسطوره‌ای و نقش اسطوره در حیات اجتماعی انسان است. بخش دوم میحنی است در باب نبرد با اسطوره در تاریخ سیاسی و موضوع بخش سوم اسطوره قرن بیستم است. مهم‌ترین بخش کتاب اسطوره دولت بخش اول آن است که به چیستی اسطوره پرداخته و نویسنده در چهار مقاله این بخش تلاش اندیشمندان و فلاسفه را برای پاسخ به چیستی و چگونگی شکل‌گیری افکار موهوم و افسانه‌ای و تأثیر آن بر زندگی عملی انسان بازنموده است. کاسیرر این کتاب را در نخستین سال‌های پایان جنگ جهانی دوم منتشر کرده است. شوکی که ویرانی‌ها، کشتار و نابودی‌های اقتصادی جنگ جهانی دوم و فاشیسم به حداقل نمیی از کره زمین وارد آورد در این کتاب بازتاب پیدا می‌کند. کاسیرر در ابتدا اسطوره را برخاسته از دیدگاه‌های مذهبی می‌داند اما پس از پایان دوران مذکور در نظریه خود تغییری ایجاد کرد و معتقد شد که عقب‌نشینی عقل و منطق در نظام‌های سیاسی و اجتماعی زمینه را برای بیدارکردن غول اسطوره مهیا می‌کند و این می‌تواند به سرعت به ابزاری برای ظهور و تداوم نظام‌های استبدادی منجر شود. کاسیرر در کتاب اسطوره دولت به تفسیر و تبیین جایگاه اسطوره در نظام‌های سیاسی می‌پردازد که در نهایت آن را با عصر نازیسم که خود در آن می‌زیسته خاتمه می‌دهد. موقن در مقدمه مفصلی که بر ترجمه کتاب

نوشته فلسفه سیاسی کاسیرر و زمینه‌های تاریخی این اثر را شرح می‌دهد. کتاب اسطوره دولت از جنبه‌هایی ادامه کتاب «فلسفه روشنگری» و از لحاظی دنباله جلد دوم، فلسفه «فرم‌های سمبلیک: اندیشه اسطوره‌ای» است. موضوع کتاب «فلسفه روشنگری» تولد سوزوَه یا فردیت انسانی است که زنجیر خرافات را پاره کرده و خرد خود را که محبوس پیش‌داوری‌ها بوده آزاد ساخته است. فلسفه روشنگری استقلال فرد و حقوق سلب‌ناشدنی و تفویض‌ناپذیر او را اعلام می‌کند و استقلال خرد و علم را در همه حوزه‌ها تأمین و تضمین می‌کند. اما گویی، این روند رهایی‌بخش فرد از زنجیر سنت‌ها و پیش‌داوری‌ها هنوز به کمال

نرسیده بود که سیر معکوس در پیش گرفت و انسانی که تازه از سیطره اسطوره‌های کهن رهایی یافته بود در جنگال اسطوره‌های سیاسی افتاد و مجدداً به بند کشیده شد. موضوع کتاب «اسطوره دولت» نیز مانند کتاب «فلسفه روشنگری» نبرد با اسطوره است ولی در اینجا میدان رزم، قلمرو سیاست است. از این لحاظ است که می‌توان گفت، کتاب «اسطوره دولت» مکمل کتاب «فلسفه روشنگری» است. در جلد دوم، کتاب «فلسفه صورت‌های سمبلیک: اندیشه اسطوره‌ای»، کاسیرر فقط به بررسی و تحلیل مقولات اندیشه اسطوره‌ای پرداخته و آنها را با مقولات نظیرش در قلمرو علم مقابله و مقایسه کرده بود ولی به نقش اجتماعی اسطوره در زندگی فردی و اجتماعی بشر به‌ویژه در قلمرو اندیشه سیاسی کاری نداشت. ولی در کتاب «اسطوره دولت» به مسئله نقش اجتماعی اسطوره توجه بیشتری شده است. در کتاب اندیشه اسطوره‌ای، سوزوَه فرد پرشگرو جست‌وجوکننده غایب است زیرا ذهنیتی از آن خود و مستقل از قوم و قبیله خویش ندارد و وجود او مستحیل در قوم است و در کتاب «اسطوره دولت» نیز مجدداً شاهد محوشدن سوزوَه با شخص پرشگرو و جست‌وجوگر هستیم. دیوید بیدنی در مورد یکی از نتایجی که از کتاب اسطوره دولت کاسیرر می‌توان گرفت، می‌نویسد، به نظر می‌آید که کاسیرر در این اعتقاد ساده‌لوحانه بعضی از تکامل‌باوران قرن نوزدهم که معتقد به پیشرفت خطی رشد مداوم و یکنواخت نهادهای عقلانی بودند، زیست‌شناسی به وی معتقد است که مانند قلمرو زیست‌شناسی که بعضی از (انواع حیات) به وضع ابتدایی‌تری نزول می‌کنند.



انديشه

اخلاق همه‌گیری: زندگی یا کیفیت زندگی؟

شکوفایی انسان ارزش جنگیدن دارد

انجی هایز - ترجمه: **علی اخوت**



شکوفا شوند. در چند ماه اول همه‌گیری، دولت باید امکانات خود را با هدف کنترل و کاهش شیوع به کار برد. اما همچنین باید برنامه مشخصی برای رونق جامعه در نظر بگیرد و آن را بره‌روشنی اعلام کند. اگر سیستم‌های مؤثر تست و ردیابی وجود داشته باشد، می‌تواند به کار بازشدن محتاطانه اقتصاد، برخی آموزش‌های رودررو و سپس بازگشت به فعالیت‌های لذت‌بخش بیاید.

شکوفایی جمعی لزوماً به معنی این محاسبه فایده‌گرایانه نیست که تعداد کسانی که زندگی شکوفا دارند از تعداد کسانی که زندگی شکوفا ندارند، بیشتر باشد (هرچند می‌توان از این مفهوم به این شکل استفاده کرد: «بیشترین شکوفایی برای بیشترین افراد» به‌جای «بیشترین فایده» بنتام). ولی صورت زنده می‌ماندند- هرچند زندگی‌های دیگری هم از خطر فقر یا خودکشی نجات خواهند یافت. در واقع چندین سال است که گام‌هایی در راستای «زندگی خوب» برداشته شده. شاخص «سنوات عمر بر اساس کیفیت زندگی» (QALYs) به تصمیم‌گیری درباره نحوه درمان بیمار کمک می‌کند، اگرچه در این مورد منظور از «کیفیت» اساساً سلامت جسمی است، درحالی‌که «شکوفایی» معمولاً اشاره به

مفهوم غنی‌تری از یک زندگی کامل دارد. تخصیص منابع پزشکی با این دید که در صورت انجام درمان، یک شخص می‌تواند چند سال انتظار زندگی شکوفا (یا سالم) داشته باشد به این معنی نیست که زندگی او از زندگی دیگری ارزشمندتر است، فقط این نکته مطرح است که همه باید به اندازه‌ای که علوم پزشکی اجازه می‌دهد به این سال‌های شکوفایی دسترسی برابر داشته باشند.

بااین‌حال، از نظر تاریخی ثابت شده که برداشت‌های مختلف از شکوفایی نیز بسیار مشکل‌آفرین بوده‌اند و باید نسبت به خطرات آن هوشیار باشیم. چه کسی تصمیم می‌گیرد که شکوفایی (یا در واقع سلامتی) شامل چه عواملی است و چه افرادی باید قادر به دستیابی به آن باشند؟ اگر مسئولان تصمیم‌گیرنده باشند یا پدرسالاری مواجهیم، حتی اگر این مسئولان مهربان باشند. این مفهوم اگر به دست سیاست‌مداران، پزشکان و دانشمندان بدطینت بیفتد می‌تواند به سمت چیزی بسیار تیره‌وتار منحرف شود. آیا در این زمینه می‌توان به استقلال رسید؟ در مورد شاخص «سنوات عمر بر اساس کیفیت زندگی»، پزشکان سعی می‌کنند دیدگاه‌های ذهنی بیماران را تشخیص دهند، و از سال ۲۰۱۱ مرکز آمار ملی هرساله پرسش‌نامه‌هایی را برای نظرسنجی تدرستی ارسال می‌کند. اما پزشکان نمی‌توانند با

نگاهی به کتاب «ایدئولوژی‌های سیاسی»

پلورالیسم معرفت سیاسی

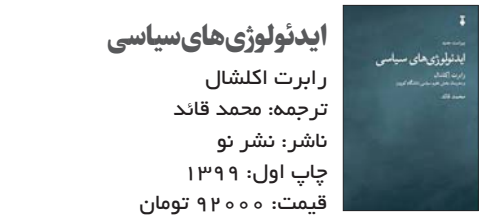
علیقم محمودآبادی

فلسفه سیاسی ... اسمی یافته‌اند و رسمی دارند. آن قدر مشحون و مملو از معرفت هستند که برای هر مخاطبی اگرنه تماما اما دست‌کم پاره‌هایی از آن می‌تواند محل توجه، تأمل و حتی تعلق قرار گیرد. اگر زمانی جان هیک در پلورالیسم دینی خود می‌گفت ادیان به تکافوسی ادله رسیده‌اند و هیچ‌یک از آنها را یارای آن نیست که رقیب خود را از میدان به در کند، امروز می‌توان ادعا کرد عموم مکاتب فکری بشر نیز در چنین وضعیتی قرار گرفته‌اند و هر یک از چنان قدرت و قوتی برخوردارند که هیچ‌یک را نمی‌توان فروگذاشت و گذشت چنان که هیچ‌کدام را نمی‌توان بر صدر نشاند و بر کوس «پایان تاریخ» بودنش دمید.

در این میان، می‌توان ادعا کرد انواع مکاتب بشری در مجموع در سطحی واحد قرار دارند که به فراخور اوضاع و احوال جهان و جامعه مورد نظر یکی می‌تواند از دیگری بیشتر محل توجه قرار بگیرد و بالعکس.

به نظر نمی‌رسد در این زمینه تفاوتی بین آنها وجود داشته باشد، هرچند به فراخور مکان و زمان، یکی بدنام و دیگری خوشنام باشد، بلکه با نگاهی از ارتفاعی رفیع‌تر که تا حدی مستظهر به تاریخ تمدن بشر باشد، این درک قابل تصور است که هر یک از انواع مکاتب فکری – فلسفی در عین تخالف و تعارض با یکدیگر نقش نسبتاً برابری در تاریخ اندیشه ایفا کرده‌اند و همچنان هم هرکدام (علی قدر مراتبهم) کارکردهای منحصربه‌فرد خودشان را دارند که اندیشه رقیب‌شان از عهده آن برنیامده و نخواهد آمد.

این نکته‌ای است که در عموم معارف بشر و وجود دارد؛ از معارف دینی و الهیاتی ادیان مختلف گرفته تا نحلّه‌های مختلف فلسفی و مکاتب گوناگون سیاسی. برای مثال وقتی با نگاهی نسبتاً بی‌طرف و فهم‌محور به آرای فلاسفه لائیکي چون هیوم از سوئی و فیلسوفان ایمان‌گرای همچون کیرکگارد از سویم دیگر نگاه کنیم، در هرکدام از آنها نکته‌ای یافت می‌شود که آدمی –فارغ از اینکه درباره متافیزیک چه نظری داشته باشد- بتواند به‌راحتی طرف یکی را بگیرد و یکسره حکم بر بطلان دیگری دهد. همین



انديشه

بیمارانی که بیهوش‌اند یا از نظر روانی دچار نقص جدی‌اند مشورت کنند و مرکز آمار ملی پرسش‌نامه‌ها را فقط به خانه‌های شخصی ارسال می‌کند: با کسانی که در بیمارستان یا خانه‌های سالمندان‌اند مشورت نمی‌شود، حتی اگر آنها به اندازه کافی مناسب پاسخ‌گویی باشند (و از بسیاری گروه‌های دیگر، مانند افراد بی‌خانمان، یا کسانی که در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌ها هستند نیز نظرسنجی نمی‌شود).

دولتی که با یک همه‌گیری روبه‌رو می‌شود، البته وقت اضطراری – حداقل در ابتدا - برای ارسال پرسش‌نامه ندارد؛ و حتی اگر این کار را بکند، نمی‌تواند از پاسخ‌ها به اجماع درباره تصور واحدی از زندگی خوب برسد. اما ممکن است بر سر این نکته مهم توافق حاصل شود (همان‌طور که رالزو و دیگران اشاره کرده‌اند): ما می‌خواهیم در جامعه‌ای زندگی کنیم

که تا جای ممکن بتوانیم برداشت‌های فردی خود را از زندگی خوب در واقعیت محقق کنیم. می‌خواهیم در جامعه‌ای زندگی کنیم که موسیقی زنده، تئاتر و حضور در مسابقات ورزشی برای علاقه‌مندان به آن مهیا باشد؛ جامعه‌ای که در آن غذاخوردن، نوشیدن و فعالیت دسته‌جمعی امکان‌پذیر باشد؛ و بتوانیم سفر کنیم و در جوامع دیگر سیاحت کنیم و با مردم ملت‌های دیگر دوست شویم. و این بدان معنی است که دولت باید به چنین بخش‌هایی برای عبور از بحران کمک کند. تصمیمات بلندمدت جامعه‌ای که می‌خواهد از بیماری همه‌گیر خلاص شود، همیشه باید به اطلاع برسد. به هنرمندان نباید صرفاً توصیه کرد که دنبال کار دیگری بگردند، یا در فضای مجازی اجرا بگذارند. فقط دولت‌ها نیستند که این مسئولیت را بر عهده دارند. سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های محلی، شهروندان منفرد - همه باید فکر کنیم که برای حفظ بخش‌هایی که ما را قادر می‌نمایند زنده بمانیم بلکه شکوفا شویم، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. از جمله بازی‌های یک بیماری همه‌گیر اینکه در میان همه سرسردگمی‌ها چند چیز واضح‌تر می‌شوند: یکی از این موارد انتخاب‌های اخلاقی است که با این مواجه می‌شویم، و شاید بیش از همه، چیزی که فکسر می‌کنیم، دولت‌ها و زندگی خودمان به خاطر آن وجود دارند.

منبع: prospectmagazine

سال هجدهم • شماره ۳۹۳۴ • روزنامه شوق

مرور

روایت‌هایی از چرنوبیل

● انرژی هسته‌ای به عنوان جایگزین زغال سنگ و نفت جذابیت خاصی دارد؛ چراکه غلظت دی‌اکسیدکربن اتمسفر را افزایش نمی‌دهد. با جایگزینی انرژی هسته‌ای می‌توان محیط‌زیستی پاک‌تر و سالم‌تر داشت بی‌آنکه از میزان انرژی مصرفی کم شود. اما مزایای انرژی هسته‌ای را باید در مقابل هزینه‌ها و خطرهایی که دارد سبک و سنگین کرد. اگرچه در دهه‌های گذشته در مناطق فعال در انرژی هسته‌ای آزادسازی زباله‌های رادیواکتیو کمتر صورت گرفته اما دو حادثه جدی در نیروگاه‌های هسته‌ای رخ داده است: حادثه نیروگاه اتمی تری‌مایل‌آیلند در پنسیلوانیا در سال ۱۹۷۹ و حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین در سال ۱۹۸۶. در حادثه نیروگاه اتمی تری‌مایل‌آیلند مقدار بسیار کمی تشعشع رادیواکتیو وارد اتمسفر شد، اما تشعشع هسته‌ای خارج‌شده در حادثه چرنوبیل خسارات اکولوژیکی عظیمی به بار آورد و باعث مرگ افراد زیادی شد. در طول ۳۵ سالی که از فاجعه

چرنوبیل می‌گذرد، نویسندگان و هنرمندان بسیاری تلاش کرده‌اند تا روایت‌هایی از این فاجعه را منتشر کنند. صدها کتاب و فیلم و سریال محصول این تلاش است بااین‌حال باز هنوز ابعاد این حادثه به‌صورت کامل مشخص نشده است. کتاب «چرنوبیل» ویراسته دیوید اریک نلسون که به‌تازگی با ترجمه شهربانو صارمی توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده تلاش می‌کند زوایای پنهانی از این ماجرا را روشن سازد. نسخه اصلی این کتاب در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است. این کتاب، اولین عنوان از مجموعه «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» است که بناست ترجمه عناوین آن، توسط این ناشر چاپ شود. مجموعه‌کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کند. کتاب‌های این مجموعه به دانشجویان و علاقه‌مندان، کنزیدهای از رویدادهای مهم تاریخ را ارائه می‌کنند که بیشتر منتشر شده‌اند اما این‌بار پوششی بین‌المللی از آن به دست می‌دهند. این کتاب برای طیف وسیعی از مخاطبان طراحی شده‌اند؛ کسانی که می‌خواهند نه‌تنها دربرسه تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند. اولین عنوان این مجموعه درباره فاجعه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در مرز بلاروس و روسیه است که در سال‌های پایانی حکومت اتحاد شوروی رخ داد و سقوط امپراطوری شوروی را سرعت بخشید. از یک میلیون نفری که در آن زمان به کار پاکسازی آلودگی‌های چرنوبیل مشغول شدند، ۲۰ درصد جان باختند و ۸۰ درصد بقیه به مشکلات جسمی‌ای دچار شدند که اغلب توضیحی برای آنها وجود ندارد. کتاب پیش‌رو، سه بخش اصلی دارد که هربخش، فصل‌ها یا دیدگاه‌های مختلفی را در خود جا داده است. «زمینه تاریخی فاجعه چرنوبیل»، «مباحث بیرومنی فاجعه چرنوبیل» و «روایت‌های شخصی» عناوین بخش این‌کتاب هستند. دیدگاه‌ها با فصل‌های این

کتاب به قلم خبرنگاران، پژوهشگران و تحلیلگران مختلف نوشته شده و توسط اریک نلسون تدوین و ویرایش شده‌اند. به عقیده بسیاری از کارشناسان دولت میخائیل گورباچف این حادثه را الاپوشانی کرد و با این کار خشم مردم را برانگیخت و به فروپاشی اتحاد شوروی کمک کرد. در واقع سکوت اولیه باعث مرگ افرادی شد که اگر تمهیدات ایمنی در نظر گرفته می‌شد نمی‌مردند. در کیف، که فقط ۸۰ کیلومتر با چرنوبیل فاصله داشت، شهروندان اونیفرپوش که بیشتر آنها بسیار جوان بودند در زراه به‌مناسبت روز کار زنگ زبارش شدید بارانی مرگبار رژه می‌رفتند. ۱۰ روز بعد از انفجار، دستگه‌های کنترل‌کننده تشعشع در ایستگاه پوینت‌ریز، در ساحل کالیفرنیا، بارش را تشخیص دادند. خیلی زود جوجه‌آوری پرندگان ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد. (پژوهشگری که خبر آن را علنی کرد اخراج شد) قبل از این اتفاق‌ها، حامیان راکتور می‌گفتند وقوع حوادثی مثل تری‌مایل‌آیلند [اِتی‌ام‌آی] و چرنوبیل «غیرممکن» هستند. تا به امروز هیچ‌کس نمی‌داند چه‌قدر تشعشع از چرنوبیل ساطع شد، کجاها رفت و چه کسانی از آن آسیب دیدند. دکتر الکسی بابلوکوف، مشاور پیشین محیط زیست در دوران بوریس یلسین رئیس‌جمهور متوفی روسیه و رئیس مرکز سیاست‌گذاری زیست‌محیطی روسیه، تعداد جان‌باختگان را در کل ۳۰۰۰۰ تن تخمین می‌زند. مرگ نوزادان و نوزادان و میزبان سرطان‌های دوران کودکی در مناطقی که در جهت باد قرار داشتند هولناک بود. تصاویر بصری بی‌شماری از کودکان و حیوانات متولدشده با ناهنجاری‌های مادرزادی بعد از این ماجرا منتشر شد. پژوهشگاه‌های بلاروس پر از کودکانی شد که «بیمان چرنوبیل» خوانده می‌شدند و نشانه‌های مشخص سرطان و نقایص مادرزادی عجیب و غریب در آنها دیده می‌شد. اما از طرفی، منطقه حفاظت‌شده چرنوبیل مامن حیوانات کمیابی شد که با وجود گردش آزادانه در اطراف تأسیسات اتمی ازکارافتاده هیچ نشانه‌ای از بیماری در آنها دیده نمی‌شود. کتاب چرنوبیل حاوی دیدگاه‌های گوناگون و جدبا و غالباً متناقض درباره این فاجعه و تأثیرات پایدار آن است.

